

◆ نوشته زیر را بخوانید و ویژگی های هر بخش را مشخص کنید.

### نقشه داریم برای آینده

من برای آینده، نقشه های زیادی داشتم که نام می خواست آنها را بویه بواجرا کنم.

بند مقدمه

نام می خواست در آینده، متخصص بدن انسان شوم؛ اما برادرم به من گفت: چون تو خوش خط هستی، پس نمی توانی دکتر شوی. نازه، خیلی از دکترها، دکتری را ول کرده اند و رفته اند سراغ ساختمان سازی!

بعد، ما تصمیم گرفتیم که مهندس بشویم تا ساختمان های محکم تری بسازیم و پولدار شویم؛ ولی دیدم برادر بزرگم که خودش چند سال است مهندس شده، هنوز پول دار نشده است؛ نازه او به من گفت: این روزها هر پاره آجری را که بلند کنی یک مهندس از زیرش بیرون می آید.

بند

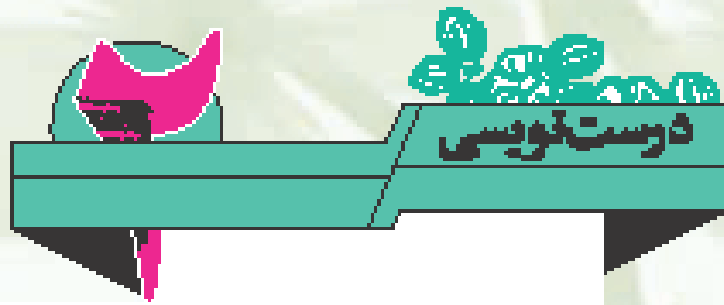
من، خلیا شدن را هم خیلی دوست داشتم. هنگامی که برادران را به برق شنید، پرواز کنند، من در پرست خرد نمی گنجیدم؛ اما الآن هر وقت اخبار را گوش می دهم، یک دراپید اسقرط می کند و همیشه هم مقصر اصلی، خلیا است و من نمی دانم چرا اسم خیلی از این خلیا ها «قر برافه» است. ما چون به فوتبال هم علاقه مند هستیم و دوست داریم یک روز به «هر نامه نوده» برویم و بین صفر تا یک میلیون، چند تا عدد انتخاب کنیم، تصمیم گرفتیم داور شویم، زیرا داورها یا سوت همه کار می کنند؛ اما چند وقت پیش، شنیدم که نه لاشاچیان در ورزشگاه به داور بدویی راه گفتند و داور هم قرمز شد.

بعد، مصمم شدیم که نویسنده بشویم؛ ولی در یک جایی خواندم مگر شکار اکاک شغل شد، نویسنده گی هم شغل می شود.

ما دیگر خسته شده بودیم و نمی دانستیم، برای آینده خود چه نقشه هایی بکشیم. دوباره رفتیم سراغ برادرمان و با او مشورت کردیم. او گفت: نمی دانم؛ اما سعی کن کاری را انتخاب کنی که همیشه تک باشی و معروف شوی.

آن وقت بود که ما تصمیم گرفتیم از میان این همه شغل، دست به انتخاب بزنیم و رئیس جمهوری شویم.

◆ صدق می شه با من / کرمه کرمه / با تلخیص / و اندکی تغییر / نقل از مجله «انشا و نویسندگی»



الف) معلم نگارش، حسن را صدا زد و از او خواست، نوشته‌اش را بخواند.  
ب) معلم نگارش، حسن را صدا زد و از آن خواست، نوشته‌اش را بخواند.  
جمله الف درست است. ضمیر «ان» معمولاً برای اشیا به کار می‌رود و گاهی در حالت جمع به جای اشخاص هم می‌آید، مانند دانش‌آموزان امروز به مدرسه نیامدند، آنها به گردش علمی رفتند.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

● مری، دستیارش را صدا زد از آن خواست، بچه‌ها را برای تمرین آماده کند.

مری، دستیارش را صدا زد و از او خواست بچه‌ها را برای تمرین آماده کند.

◆ این دوچرخه را دوست دارم؛ زیرا او دوچرخه دوران کودکی من است.

این دوچرخه را دوست دارم زیرا او دوچرخه دوران کودکی من است.